

معنی واژگان مهم و روش‌های نوین یادگیری معنی

مقدمه:

برای یادگیری واژه‌ها و لغات در زبان انگلیسی همواره استفاده از کتاب دیکشنری مرسوم بوده است. شما می‌توانید در انواع مختلف دیکشنری‌ها از ناشران متفاوت ده‌ها هزار لغت و اصطلاح را بیابید.

دیکشنری‌ها نیز انواع مختلفی دارند، مثلاً از نظر سطح می‌توان به سه نوع مقدماتی (elementary)، متوسطه (intermediate) و پیشرفته (advanced) اشاره کرد. یا از نظر محتوا می‌توان انواع تصویری pictorial، موضوعی lexicon یا تخصصی medical و ... را نام برد.

به خاطر سپردن لغات و واژگان از دیکشنری اگر غیر ممکن نباشد قطعاً بسیار مشکل است و مستلزم صرف وقت و انرژی است. مضافاً به اینکه دیکشنری‌ها کتب مرجع به حساب می‌آیند و نباید به عنوان کتاب درسی از آنها سود برد. لذا باید به دنبال راهی آسانتر برای یادگیری واژگان بود.

در این بحث با در نظر گرفتن اینکه بیش از ۶۵٪ از سؤال‌های آزمون (V) های ورودی دانشگاهها در مقاطع مختلف تحصیلی، مستقیم و غیرمستقیم در ارتباط با "دانش واژگانی" داوطلبان می‌باشد، فراگیری و دقت در این فصل را به همه شما زبان آموزان اکیداً توصیه می‌کنیم.

در این قسمت که با معرفی روش نوین آموزشی که در زمینه تدریس زبان انگلیسی جهت آزمون‌های ورودی طراحی شده است، سعی شده تا کارآمدترین روش‌های بین‌المللی در آموزش و فراگیری دانش واژگانی (معنا شناسی) مطابق با آخرین استانداردهای موجود به علاقمندان معرفی شود. امید است با بهره‌گیری از این روش‌ها بیش از پیش توانایی خویش را در فراگیری معنی لغات افزایش دهید.

در این بحث روش‌های موفق و کارآمد در یادگیری و حفظ واژگان جدید طبق آخرین استانداردهای جهانی ارائه می‌گردند.

روش‌های معرفی شده در این قسمت عبارتند از:

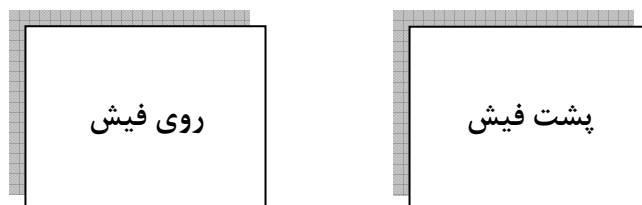
- روش فیش نویسی
- روش واژه‌شناسی و حدس
- روش سازماندهی واژگان
- روش نمودار موضوعی

پس از تسلط کامل به نحوه کار در هر روش به سراغ واژگان جدید و مشکل کتاب‌های درسی زبان انگلیسی خود بروید و با استفاده از روش‌هایی که فراگرفته‌اید به یادگیری و حفظ معانی واژگان جدید بپردازید. پس از فراگیری کامل به تمرین‌های طبقه‌بندی شده، معنی در پودمان‌های آتی مراجعه کرده، خود را بیازمایید.

روش فیش‌نویسی

یکی از متداول‌ترین و موفق‌ترین روش‌های فراگیری فیش‌نویسی است:

۱- ابتدا فیش‌هایی (کارت‌هایی) از جنس مقوا یا کاغذ به اندازه تقریبی زیر تهیه می‌کنیم:



۲- با مطالعه درس به درس کتاب‌های درسی، لغات مشکل و مهم هر درس را استخراج کرده و در انتهای آن درس در یک جا متمرکز می‌کنیم.

۳- واژه انگلیسی را با رنگ آبی یا مشکی در قسمت روی فیش می‌نویسیم و در پایین همان رو جمله‌ای می‌نویسیم که آن واژه در آن به کار رفته است.

۴- پشت فیش با رنگ قرمز (برای جلوگیری از خطا و تقلب) معنی آن واژه را می‌نویسیم.

مثلاً واژه Competition به معنی « رقابت و مسابقه » را در جمله زیر در نظر بگیرید:

Twelve teams participated in the competition

Competition:
12 teams participated in the
Competition xxx

با رنگ مشکلی



رقابت - مسابقه

با رنگ قرمز



۵- پس از اینکه تمام فیش‌ها را نوشتیم آنها را روی هم می‌گذاریم و در طول روز و یا در مکان‌هایی که اصطلاحاً "وقت مرده" داریم، مثلاً در اتوبوس، تاکسی، در زنگ تفریح و وقت‌های کوتاه که نمی‌توان درس مشخصی را مطالعه کرد، به خودآزمایی می‌پردازیم.

۶- یک فیش را به صورت تصادفی از میان دسته فیش‌ها بر می‌داریم و فقط روی آن را می‌خوانیم و سپس معنی آن را حدس می‌زنیم.

۷- اگر معنی درست بودن علامت کوچکی بر روی فیش‌ها می‌گذاریم. در هر صورت چه غلط و چه صحیح، فیش را به میان بقیه فیش‌ها برمی‌گردانیم. هرگاه تعداد علامت‌های صحیح به ۱۵ یا ۲۰ رسید دیگر این واژه ملکه ذهن شما شده است. روش فیش برداری یکی از متداول‌ترین روش‌های بین‌المللی برای یادگیری واژگان است.

روش واژه‌شناسی و حدس

یکی از شگفت‌های زبان، زایا بودن آن است یعنی می‌توان با دانستن چند ریشه و چند «وند» چندین واژه جدید ساخت با شناخت در زبان انگلیسی مانند بسیاری از زبان‌ها واژگان از ریشه + وندها تشکیل شده‌اند.

با دانستن معنی تعداد کمی ریشه اصلی واژگان که اغلب یونانی یا لاتین هستند می‌توان معنی بسیاری از واژگان جدید را حدس زد که صد البته در آزمون‌های واژه‌شناسی و تست‌های معنی بسیار سودمند خواهد بود.

مثلاً معنی ریشه‌های (tele, phone) را بدانیم معانی لغات زیر را به راحتی می‌توانیم حدس بزنیم.

Telephone-telescope-television-telecabin-telepathy

و حتی اگر همین فردا صدها کلمه جدید دیگر به زبان انگلیسی اضافه شود شما می‌توانید با دانستن ریشه‌های اصلی آنها را بفهمید و یا خودتان واژه‌ای بسازید.

نکته: همانطور که ملاحظه کردید با دانستن تنها چند نمونه از ریشه‌های واژگان انگلیسی می‌توانید معنی بسیاری از کلمات را حدس بزنید.

به جزء ریشه‌ها می‌توان به پیشوندها (prefix) و پسوندها (suffix) اشاره کرد که در حدس معنی واژه‌ها کمک شایانی می‌کنند.

یادگیری واژگان

ریشه های اصلی واژگان انگلیسی

ریشه	معنی	مثال
auto	self	automatic
bio	life	biology
chron	time	chronometer
cycle	circle	bicycle
fact	make , do	factor , factory
fin	limit	finish . infinitive
flex, flect	bend	reflect
grad	step	gradual , gradual
gram , graph	writing	telegraph
jud , jur , jus	low	judge , justice
junct	joint	junction
loc	place	local , location
mar	sea	marine
med	middle	intermediate
mob	move	mobil . automobile
ped	foot	pedal , pedestrian
phone	sound	telephone
port	carry	porter , transport
rect	straight	direct , indirect
sci	know	science
scope	watch	telescope, broncoscope, microscope
sign	mark	structure
struct	build	structure , construction
theo	god	theology
urb	eity	urbon , suburb
vens , vent	come	prevent , intervene
verse , vert	turn	convert
vid , vis	sea	vision, video

یادگیری واژگان

در زبان انگلیسی مثل بسیاری از زبان‌ها پیشوندها و پسوندهایی وجود دارد که با فراگیری تعدادی از وندهای مهم می‌توان معانی بسیاری از واژگان جدید را حدس زد و یا واژه‌های جدیدی ساخت. وظیفه اصلی پیشوند تغییر معانی یک واژه است:

غیر ممکن $ir + regular \rightarrow irregular$ $im + possible \rightarrow impossible$
 (البته در اصل impossible بوده است که برای سهولت در یادگیری تغییر کرده است)
 در جدول زیر چند پیشوند مهم با معنی و کاربرد آن را فرا می‌گیریم.

جدول شماره (۲) پیشوندهای مهم

پیشوند	معنی	مثال
a-	not , with , out	anemia
ante-	before	anticipate, antecedent
co,con,com-	with, together	compare, combine
contra-	against	contradict, contraceptive
uni-	one	unilateral
chrom-	color	chromophobe
chron-	time	chronic
cardiy-	heart	bradycardia
deca-	ten	decade
dis-	bad, wrong	disable, disorder
en-	to make	enjoy
ex-	out	export
extra-	beyond	extraordinary
im,in,im-	not	impolite, irregular
poly-	many	polygamy, polyductily
pre-	before	preview
re-	again	re exam, return
sub-	under	submarine, substitute

یادگیری واژگان

پسوندها به آخر ریشه اضافه می شوند و دو عمل اصلی انجام می دهند:

(۱) واژه جدید می سازند.

(۲) نوع کلمه را تغییر می دهند.

مثال: (v) teach + er → teacher (n)

جدول پسوندهای مهم

پسوندها را در چند گروه بررسی می کنیم:

الف) پسوندهای اسم ساز:	
(eer, er, or) engineer, baker, visitor	پسوندهای سازنده اسم فاعل
(an, ian, ist) motorist, artist, psychiatrist, musician, physician, technician, roman	پسوندهای سازنده اسم شخص
(et, en, y) sunny, bobby, chicken, booklet	پسوندهای سازنده اسم مصغر
پسوندهای سازنده اسم فاعل و اسم حالت	
-age	marriage, shortage
-ance, ence	existence, guidance
-dom	kingdom, freedom
-hood	childhood, neighbourhood
-sion, ion, tion	selection, invitation
-ity	ability
-ment	movemext, development
-ness	happiness, wakefulness
-ship	relationship

ب) پسوندهای صفت ساز:	
- able, ible	eatable, responsible
- ory	satisfactory
- ish	childish, sevenish
- ous	dangerous
- worthy	trustworthy
- ly	lovely
- y	cloudy, rainy
- ful	spoonful
- less	powerless, colorless
- er	taller, older
- est	tallest, youngest
ج) پسوندهای قید ساز:	
- er	harder
- est	weakest
- Ly	slowly, quickly
د) پسوندهای فعل ساز:	
- en	sharpen
- fy, ify	simplify, rectify
- ize	civilize, summerize

تمرین:

از کلمه زیر صفت بسازید:

- | | | |
|---------|-----------|----------|
| a) sun | d) nature | g) power |
| b) rain | e) care | h) value |
| c) harm | f) cloud | i) use |

از کلمات زیر قید بسازید:

- | | | |
|---------|--------------|-----------|
| a) hard | c) impatient | e) lovely |
| b) slow | d) good | f) usual |

از کلمات زیر اسم بسازید:

- | | | |
|-----------|------------|-----------|
| a) engine | e) exist | j) guide |
| b) able | f) high | k) warm |
| e) employ | g) migrate | i) child |
| d) act | h) write | m) friend |

روش سازماندهی واژگان

برای فراگیری بهتر و سریع‌تر و همین‌طور در حافظه نگه داشتن واژه‌های فراگرفته شده می‌توان از روش سازماندهی واژگان استفاده کرد. بدین صورت که همه واژگان را که در زمینه‌ای بخصوص به کار می‌روند در یک جدول به دنبال هم بنویسید و همراه با موضوع آنها را فراگیرید. با این روش واژه‌های مربوط به هم را سریع‌تر حفظ می‌کنید و بیشتر در حافظه نگه می‌دارید.

تقسیم بندی‌های زمان			
Century	قرن	Month	ماه
Decade	دهه	Week	هفته
Year	سال	Day	روز
Season	فصل	Night	شب
فصل های سال		Hour	ساعت
Spring	بهار	Minute	دقیقه
Summer	تابستان	Second	ثانیه
Autumn	پاییز	Moment	لحظه
Winter	زمستان	While	مدت کوتاه (نسبی)

یادگیری واژگان

روزهای هفته:	ماه‌های سال:
Sunday	January
Monday	February
Tuesday	March
Wednesday	April
Thursday	May
Friday	July
Saturday	August
A couple of days دو روز	September
Fortnight دو هفته	October
	November
	December

		شغل‌ها:
Watchmaker	ساعت‌ساز	Baker نانوا
Miner	معدنچی	Butcher قصاب
Mechanic	مکانیک	Grocer بقال
Sailor	دریانورد	Doctor دکتر
Captain	ناخدا	Nurse پرستار
Pilot	خلبان	Teacher معلم
Scientist	دانشمند	Engineer مهندس
Secreter	منشی	Architect معمار

یادگیری واژگان

کشور	ملیت
Iran	Iranian
America	American
Japan	Japanese
China	Chinese
Lebanon	Lebanese
Turkey	Turkish
Italy	Italian
Russia	Russian
Switzerland	Swiss
Denmark	Danish, Dane
Germany	German
Scotland	Scottish, Scotch

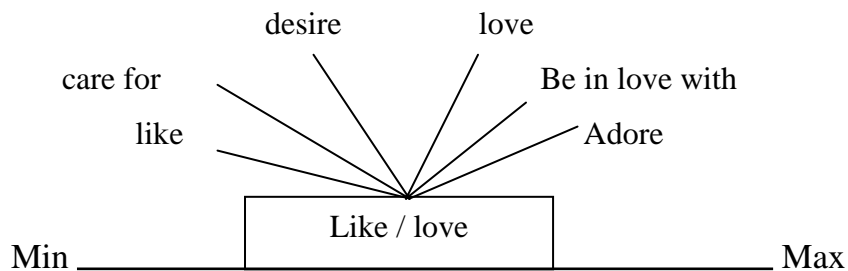
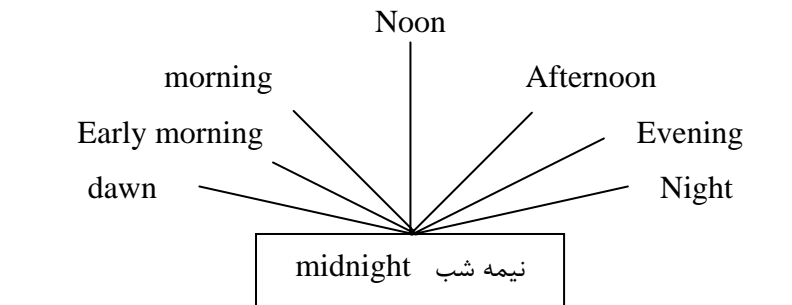
Leg	پا	Hair	مو
Thumb	شست دست	Mouth	دهان
Nose	بینی	Heart	قلب
Neck	گردن	Arm	بازو
Foot	پا (مچ و کف پا)	Head	سر
Toe	انگشت پا	Tongue	زبان
Lip	لب	Waist	کمر
Shoulder	شانه	Finger	انگشت
Hand	دست	Eye	چشم
Nail	ناخن	Tooth	دندان

یادگیری واژگان

خواننده این بخش، را به کتاب‌های Lexicon و Word finder از انتشارات Oxford ارجاع می‌دهیم. در این کتاب‌ها می‌توانید بر حسب موضوع بدنبال یافتن کلمه مورد نظر خود باشید.

روشن نمودار موضوعی

در این روش با رسم طرحی (diagram) واژگان هم موضوع را بر اساس شدت و ضعف و یا بر اساس ابتدا و انتهای چرخه آنها تقسیم و ترسیم می‌کنیم.



یادگیری واژگان

توجه: زبان آموزان عزیز لازم است پس از فراگیری و ممارست لازم در این مبحث، از آن برای یادگیری واژگان مهم کتاب‌های زبان مختلف به صورت کاربردی استفاده کنند.

واژه‌های رایج مورد اشتباه:

در این قسمت مجموعه‌ای از واژه‌های مشابه و غلط‌انداز را که اغلب زبان آموزان آنها را با هم اشتباه می‌گیرند گرد آورده‌ایم که لازم است به دقت کامل مطالعه کرده و فرا گیرید.

۱- except-accept

accept یعنی قبول کردن، پذیرفتن ولی except به جز، غیر از

We accepted their invitation

Answer all the questions except no.3.

۲- advise-advice

advice اسم است و غیر قابل شمارش، جمع بسته نمی‌شود و به معنی پند و نصیحت ولی advise فعل است و یعنی نصیحت کردن

Give him a piece of advice

Please advise him

۳- effect-affect

affect یعنی تأثیر گذاردن و فعل است ولی effect یعنی نتیجه (اسم) و یا دست یافتن (فعل)

between- among -۴

هر دو حرف اضافه هستند. معمولاً among بین چند چیز معنی می‌دهد و between بین دو چیز معنی می‌دهد. فقط با locate-situate می‌توان حتی با چند اسم هم between به کار برد.

I divided the money between jack and bill

I divided the money among the children

Iran is situated between Iraque turkey and Pakistan

all ready-already -۵

already یعنی قبلاً، تاکنون all ready یعنی حاضر و آماده

They have already started

She was dressed and all ready to go out

number-amount -۶

amount با اسامی غیرقابل شمارش به کار می‌رود و number با اسمی قابل شمارش

A large amount of money

A large number of students

besides-beside -۷

beside (حرف اضافه) به معنی در کنار، پهلوئی ولی besides (حرف اضافه) به معنی علاوه بر

She is sitting beside me

Besides this book I have two more books on English tests

dessert-desert -۸

desert یعنی صحرا ، بیابان ولی dessert یعنی دسر که بعد از غذا می‌خورند.

different-differ -۹

differ (فعل) تفاوت داشتن، فرق کردن ولی different (صفت) یعنی متفاوت، فرق کرده

These two are different. They differ a lot

immigrant-emigrant -۱۰

emigrant کسی است که کشور را ترک می‌کند (مهاجر خارجی) immigrant کسی است که به کشور وارد می‌شود (مهاجر داخلی)

sample-example -۱۱

example (مثال، نشان دهنده موضوعی) sample (نمونه‌ای از یک گروه)

The word sugar is an example of non-count nouns

A this store they always give you free samples of perfume

further-farther -۱۲

farther برای مسافت (یعنی دورتر)، further هم برای مسافت (دورتر) هم برای مقدار، زمان، درجه و ... (بیشتر)

less-fewer - ۱۳

fewer (صفت) یعنی کمتر، با اسم‌های قابل شمارش به کار می‌رود، less (صفت) یعنی کمتر، با اسم‌های غیرقابل شمارش به کار می‌رود.

I have fewer books than you. She less money than he

would rather- had better - ۱۴

had better برای دادن پند و نصیحت کردن استفاده می‌شود ولی would rather برای بیان ارجحیت که منافع شخصی در آن است.

you had better stay in bed with your cold. (= it s better for you to spray ...)

I would rather go to work. (= I prefer to go to work)

hardly-hard - ۱۵

hard (صفت) (قید حالت) معمولاً بعد از فعل به کار می‌رود و به معنی سخت و به سختی و با شدت است. hardly قید تکرار منفی است اغلب قبل از فعل به کار می‌رود به معنی بندرت و خیلی کم می‌باشد.

Susan studied hard and the got the prize

latter-later -۱۶

later صفت است و به معنی دورتر، ولی latter (ضمیر یا صفت) است به معنی دومی
از یک گروه دوتایی

I ll come later

There is a red book and a blue one the latter is better

lie-lay -۱۷

lay (liad-laying) یعنی گذاردن، جایگزین کردن بعد از آن مفعول می‌آید، ولی
lie (lied-lied) دراز کشیدن فعل لازم است و مفعول نمی‌گیرد،
به معنی دروغ گفتن.

like- such as -۱۸

like یعنی مانند (از نظر ساختار) و مفعول می‌خواهد، such as یعنی به عنوان مثال

alone -lonely -۱۹

lonely احساس تنهایی داشتن، alone یعنی تنها

lose-loose -۲۰

loose یعنی متضاد سفت و محکم یعنی سست، lose یعنی گم کردن چیزی

past-passed -۲۱

passed یعنی گذر کردن ، past یعنی گذشته

quite- quiet -۲۲

quiet صفت است به معنی سر و صدا، quite یعنی کاملاً

rise- raise -۲۳

raise فعل متعددی است، مفعول می‌خواهد و به معنی بالا کشیدن و بالا بردن چیزی،
rise یعنی بالا آمدن و فعل لازم است.

remind- remember -۲۴

remember یعنی به یاد آوردن چیزی و به خاطر آوردن، remind یعنی کسی را به
یاد مطالبی انداختن

whether- weather -۲۵

weather یعنی شرایط آب و هوایی و جوی، whether یعنی اگر.

منابعی برای مطالعات بیشتر

1. Bromberg, M. *et al.* 504 absolutely essential words. Barron's educational series. 2004
2. www.esl-pro.com (Vocabulary clinic)
3. Oxford Advanced Learners Dictionary of Current English. 6thEd. Oxford university press 2005
4. Sue O'connell, Focus on IELTS. Longman. Tehran: Rahnama publication 1382.
5. Levine. Vocabulary: For the high school Students. An Amsco School publication 2002.
6. Gude, K. Duckworth. Proficiency: Master class. Student's book. Oxford university press. 2004
7. Broukal, M. Nolan-woods, E. NTC'S Preparation for the TOEFL: Test of English as a Foreign Language. National textbook Company. 2001